

مجموعه‌ی افسانه‌های مشهور چین

# ققنوس زیبایی که بان پرندگان را نجات می‌دهد



بازنوشته‌ی دو آن لیکسین

تصویرگر: لیو شیانگ‌وی

ترجمه‌ی سمیه نوروزی



آفرینگان: ۲۸۲







در افسانه‌ها آمده روزی روزگاری، در قرن بیست و شش قبل از میلاد مسیح، پادشاه زحمتکشی زندگی می‌کرد به نام «امپراتور زرد» که عاشق مردم سرزمینش بود. او به آن‌ها یاد داد که چگونه به کمک اصطکاک و با چوب آتش درست کنند، چگونه قایق و گاری برای حمل و نقل بسازند، چگونه برای دسترسی به آب چاه بکنند و چگونه حیوانات وحشی را رام کنند.

اطرافیانش گروهی از درباریان توانا و کاردان بودند. یکی‌شان رونگ چنگ نام داشت که تقویم قمری را طراحی کرد، ژوسونگ و کانگ جی خط هیروگلیف (حروف تصویرنگار چینی) را اختراع کردند و لینگ لون آهنگ‌های گوش‌نواز بسیاری ساخت.







یک روز، تعدادی از مقامات به حضور امپراتور زرد شرفیاب شدند، اما امپراتور به نظر بسیار نگران می آمد. مقامات پرسیدند: «خیلی دوست داریم بدانیم از چه چیزی این قدر ناراحتید عالی جناب؟!»

امپراتور زرد آهی کشید و گفت: «بسیار خب، من بیشتر از صد نوع پرنده‌ی مختلف را در سرتاسر جهان رام کرده‌ام، اما هنوز بخت آن را نداشته‌ام که بینم ققنوس چه شکلی است!»

مقامات به همدیگر نگاه کردند، نمی دانستند چه جوابی به امپراتور بدهند. یکی از مقامات که سن بیشتری داشت پیشنهاد داد: «چرا نمی رویم پیش تیان لائوی دانشمند تا از او بپرسیم؟ می گویند تیان لائو همه چیزدان است. شاید او بداند کجا می شود ققنوس پیدا کرد.»

امپراتور زرد وقتی این پیشنهاد را شنید، بسیار خوشحال شد و نتوانست برای ملاقات با تیان لائو منتظر مقامات بماند.